دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی

سال شانزدهم، شماره‌ی ۵۵
پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۱۹۵-۱۷۷

اسداله شفیع زاده[۱]

بررسی تاثیر نگرش نوگرایانه بر شهر سازی دوره اسلامی (مطالعه موردی: شهر اهر)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی تاثیر نگرش نوگرایانه بر تحولات کالبدی شهرسازی دوره اسلامی است که با مطالعه موردی شهر اهر انجام یافته است. شهرهای ایرانی که پیدایی آن‌ها قدمتی هزاران ساله و تا حدود زیادی تولد آن‌ها به پیش از اسلام بازمی‌گردد، از جمله میراث‌های فرهنگی این مرز و بوم هستند که امروزه به دلیل نگرش‌های نوگرایانه حاصل از توسعه برون‌زا به شدت در معرض تهدید و نابودی قرار گرفته‌اند. مدل کلی تحقیق که بر اساس مطالعه ساختار شهرهای ایرانی در طی دو دوره، نگرش اسلامی و نوگرایانه و تطبیق آن با شهر اهر، به روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و تا درجاتی تطبیقی و به صورت کیفی انجام شده است، این نتیجه حاصل گردید که بر اثر تاثیر دیدگاه مبتنی بر توسعه برون‌زا بر ساختار دوره اسلامی شهر اهر، عناصر اصلی و تشکیل دهنده شاکله شهر دوره اسلامی، یعنی بازار به عنوان ستون فقرات شهر، مسجد جامع، ارک حکومتی و محلات که در آن دوره دارای پیوندی ارگانیک و ساختار به هم پیوسته‌ای بوده‌اند، نظام ساختاری و منسجم خود را از دست داده و با تغییر عنصر انتظام بخش شهر از "بازار" در تفکر اسلامی به "خیابان" در تفکر نوگرا، باعث گردیده که کالبد شهر از درون موجب گسست، دگرگونی و تغییرات عمده شده و موجبات ایجاد بافت فرسوده گردد.

کلید واژه‌ها: شهر اسلامی، نگرش نوگرایانه، بافت سنتی اهر، عناصر معماری.

۱- گروه معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
E-mail: a-shafizadeh.iau-ahar.ac.ir

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

مقدمه

شهرهای ایرانی-اسلامی امروز را از لحاظ کالبدی می‌توان به دو بخش سنتی و جدید تقسیم کرد که تحولات بخش سنتی آن در قالب دو دوره زمانی قبل از تاثیر نگرش نوگرایانه (مشخصاً قبل از دوره پهلوی اول) و دوره بعد از آن (دوره پهلوی اول و دوم) با تفکر تاثیر نگرش نوگرا و مدرنیسم مورد مطالعه قرار داد.

در دوره قبل از تاثیر مدرنیسم، شهرهای ایرانی در بر دارنده نشانه‌ها و الگوهایی هستند که از آن‌ها می‌توان به مدل و الگوی شهرهای سنتی اسلامی در خاورمیانه تعبیر نمود (اهلرز، ۱۳۸۰: ١٦٦) که از ویژگی‌های اصلی آن همانا انسجام عناصر و اندام‌های تشکیل‌دهنده آن حول ساختارفضایی بازرگانی آن است که به‌صورت مجموعه‌ای یک دست و به هم پیوسته در میان شهر جای گرفته و ویژگی اصلی کالبد شهر اسلامی را تداعی می‌کند (ویرت، ١٩٧٤: ٢٠٧-٢٠٨).

دوره پس از تاثیر نگرش نوگرایانه که عمدتا از دوره پهلوی اول و از سال ١٣٠٤ ه-ش آغاز گردید، با شروع تحولات سیاسی-اقتصادی و نیز تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از تغییر شیوه معیشت و شهرنشینی و ساخت سریع بافت‌های جدید در شهرها (حسامیان، ١٣٦٣: ١٦٤) و در راستای توسعه برون‌زا مبتنی بر مکتب نوگرائی و الگوی رفتاری بیگانه آغاز می‌گردید و شهر به عنوان تبلور فضایی-کالبدی این دگرگونی، ارزش‌های کهن و پایدار ساختاری-فضائی خویش را به دور افکنده و کالبد شهر از درون دگرگون می‌شود و باعث تغییرات عمده در بافت‌های سنتی و کهن شهری در دوره اسلامی می‌گردد. ایجاد خیابان به‌عنوان نماد تجددطلبی و منطبق با نظریه نوگرایان ۱۹۲۰ میلادی اروپا در ایران دیده‌شده و در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ هجری شمسی حضور فرهنگی در سبک بین‌الملل در ساختار فضایی- کالبدی شهر توسط دانش‌آموختگان از فرنگ برگشته به‌کار گرفته می‌شود (حبیبی، ١٣٧٦: ١٥٢). در سال‌های ۱۳۳۲ تا ١٣٤٥ هجری شمسی متعاقب حضور مستشاران خارجی و ایجاد قطب‌های صنعتی و معمولا بی‌هویت، دگرگونی عظیمی در شهر و ساختار فضایی-کالبدی آن به وجود می‌آید و در دوره ١٣٤٥ تا ۱۳۵۷ با اجرای طرح‌های مبتنی بر مکتب نوگرائی و تفکر شهر بی‌زمان و مکان (سبک بین‌الملل) و بی توجه به گونه‌های طبیعی و انسانی و میل به جهانی شدن و گسترش خیابان و محلات به حاشیه شهرها، یک سازمان فضایی-مهاجرتی بی‌رویه هویت می‌یابد به نحوی که شهر اسلامی از نظر معنائی از درون تهی می‌شود.

گرچه این تحولات در بدو امر از اواخر دوران قاجار و از تهران و سپس شهرهای بزرگ شروع شد، لیکن اوج تهاجم نگرش‌های نوگرایانه به شهرهایی همچون اهر از اوایل سده جاری و از دوران پهلوی اول و بخصوص از

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

۱۳۱۸ هجری شمسی آغاز شد. شهرداری اهر در حدود سال ۱۳۰۰ هجری شمسی تاسیس و پیش از شهریور ۱۳۲۰ عمارت متوسطی برای شهرداری در جهت اجرای مکتب نوگرا، ساخته می‌شود (بایبوردی، ۱۳٤۱: ۹۰).

اولین مظاهر نگرش نوگرایانه در این شهر بر اساس تفکر حاکم بر شهرسازی معاصر "سبک بین الملل" احداث خیابانی قبل از شهریور ۱۳۲۰ هجری شمسی از شمال به جنوب در محاذات بقعه شیخ شهاب‌الدین است که باعث شکل‌گیری اولین مظاهر شهرسازی مدرن و کم اعتبار شدن عناصر تاثیر گذار در شهر ایرانی–اسلامی و حتی از بین رفتن عناصر شهر تاریخی همچون محله و مسجد معروف به "بالا مسجد" می‌شود و سپس دومین خیابان در دهه ۱۳۳۰ و عمود بر خیابان اول احداث می‌گردد و تا سال ۱۳٦۵ ه–ش خیابان سوم به موازات خیابان دوم و از غرب به شرق احداث می‌شود. اولین طرح جامع شهری اهر در سال ۱۳۵۳ و طرح تفصیلی در سال ۱۳٦۲ در این شهر به اجرا در آمد.

در نتیجه این اقداماتی که زیر سیطره نگرش نوگرایانه، همچون رویکردهای کارکرد گرایانه دوران مدرنیسم، در شهر اهر انجام می‌گیرد، باعث می‌شود که شهر به لحاظ فضاهای شهری، یکنواخت، یکسان و بی‌روح گردیده و به‌عنوان یک مکانی که هویت خود را گم کرده، تبدیل شود.

در این پژوهش که بر روی کالبد دوران اسلامی و تاثیر نگرش نوگرایانه بر روی عناصر و ساختار شهر دوره اسلامی صورت می‌گیرد، در نهایت به این پرسش‌ها پاسخ خواهد داد که:

۱- ویژگی‌های یا به عبارت دیگر الگوی شهرهای اسلامی چیست؟

۲- تاثیر نگرش‌های نوگرایانه بر ساختار شهری دوره اسلامی و عناصر معماری آن با نمونه مطالعاتی اهر چگونه بوده است؟

مواد و روش‌ها

در این تحقیق جهت تبیین الگوی فضایی و کالبدی شهرهای ایرانی اسلامی، در راستای نیل به مدل نحوه سازماندهی عناصر فضایی و تاثیرگذار شهر اسلامی، از مدل کلی شهرهای ایرانی اسلامی استفاده گردیده است. فلذا پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و تئوریک و ارائه گزارشهای توصیفی از مدل شهرهای ایرانی اسلامی و تحلیل عناصر فضایی شهری شکل‌دهنده شهرهای ایرانی اسلامی، آنالیز مربوط به اندام‌های آن و عواملی که در ارزیابی شهرهای ایرانی نقش اساسی دارند، صورت پذیرفته است.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

بر این اساس ابتدا بواسطه نقشه هوایی سال ۱۳۵۵ شهر اهر جایی که هنوز تاثیر تفکر مدرنیته خودش را کم نشان داده و استخراج مدل و الگوی شهر اهر در دوران اسلامی امکان‌پذیر بود به استخراج، تحلیل و بازشناسی اندام‌ها و عملکردهای فضایی تاثیر گذار همچون مسجد جامع، بازار، ساختمان حکومتی و محلات پرداخته گردید و در ادامه پس از شناسایی عوامل فوق به روش مشاهده و برداشت های میدانی شامل برداشت آثار و انطباق آن با مدل ارائه شده پرداخته گردید.

در جهت تبیین مدل تاثیر تفکر مدرنیته به ساختار سنتی شهر، از الگوی خرد گرایانه شهرسازی مدرن یعنی ساختار عمود بر هم عناصر فضایی آن، بررسی گردید و خیابان به‌عنوان مهم‌ترین اندام فضایی و کالبدی مدرنیته و تاثیر آن بر الگوی شهرهای ایرانی اسلامی و اندام های اصلی و تاثیرگذار آن مورد تحلیل قرار گرفت. در تحلیل تاثیر نگرش مدرن بر مدل اسلامی شهر اهر از نقشه هوایی ۱۳٦۵ استفاده گردید و تاثیر نگرش مدرن بر اندام‌های اصلی همچون مسجد جامع، بازار، ارک حکومتی و محلات مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین در دوران معاصر به دلیل آن‌که مجموعه نقشه شهر اهر شامل مناطق تازه توسعه یافته نیز می‌گردد، لذا جهت محدود کردن منطقه آنالیز به منطقه مورد بحث، پس از شکل‌یابی شهر اهر بر مبنای الگوی ایرانی اسلامی، از دیگر مناطق در تحلیل محتوا صرف نظر گردید.

ویژگی‌های شهرهای ایرانی-اسلامی در دوره اسلامی

فضاهای شهر تاریخی-ایرانی، متفاوت با فرم هائی که امروزه بر این فضاها حاکم‌اند، در بستر تاریخ در دل شهر ایرانی ظهور یافته‌اند. با ظهور اسلام و تسلط آن بر سرزمین ایران، الگوهای کهن فضاهای شهری با دستورات نوین اسلامی در هم آمیخته، بافت و ساخت کالبدی متفاوت را رقم می‌زند که ساختار و شاکله آن در قالب یک مدل و الگوی کلی قابل بررسی است.

طبق این الگو، مدل ساخت شهر ایرانی، تحت اصول و قوانین اسلامی تغییر یافت و شکل شهر از اصول و قوانین اسلامی تاثیر گرفت. بر این اساس، تفکر اسلامی هرگز سیستم کاست، طبقه گرائی، نژادگرائی و قوم گرائی آنچه در شهرهای قبل از اسلام وجود داشت را نپذیرفت (نقی زاده، ۱۳۸۷) و با دگرگون شدن نظام فکری حاصل از تفکر اسلامی، طبقات اجتماعی دوران ساسانی که بر اساس پایه‌های اجتماعی و اقتصادی افراد تقسیم‌بندی می‌گردید، فروپاشید که نمود این تغییر در ساختار فیزیکی شهرهای ایرانی اسلامی تبلور پیدا کرد (قبادیان، ۱۳۷۷: ۱٦۷). بر اساس این تفکر، همه مردم باهم برابرند و هیچ نوع امتیازی از لحاظ طبقه، نژاد، رنگ پوست و قوم بین مردم دیده نمی‌شود باعث گردیده که بین ساکنان نواحی مختلف در شهرهای ایران دوره اسلامی، یک جایگزینی کاملا مشخص

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

بین زندگی عمومی و خصوصی مردم به وجود آمد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۷۸) که این امر باعث شکل‌گیری محلات در شهرهای اسلامی گردید (قبادیان، ۱۳۷۷: ١٦٧).

فضای کالبدی و ریخت شهر حاصل از چنین نگرشی، در بردارنده عناصر و نشانه هائی است که گویای نمونه‌های ویژه شهر سنتی خاورمیانه اسلامی گردید (اهلرس، ۱۳۸۰: ١٦٦). این الگوها و نشانه‌ها در شهرهای ایرانی–اسلامی، با شکل‌گیری عناصر شاخص همچون بازار، مسجد جامع، ارگ حکومتی و محلات، فضای کالبدی و ریخت کلی شهر ایرانی اسلامی را تشکیل می‌داد که در جهت ارائه تعریفی جامع و شامل از خصوصیات آن، همواره مورد توجه و موضوع تحقیق و تفحص بسیاری از مستشرقین و مخصوصا اسلام‌شناسان قرن بیستم قرار گرفته است. برخی از محققان، بازار را بخش اساسی، هسته مرکزی و ستون فقرات شهر اسلامی خوانده‌اند (حبیبی، ۱۳۷۸: ٤٧–٤٨؛ بیرشک، ۱۳۵۷)، برخی دیگر، مساجد جامع را به‌عنوان نماد شاخص شهر اسلامی به‌شمار آورده و گروهی دیگر هر دو مسجد جامع و بازار را به‌عنوان عنصر اصلی تشکیل‌دهنده شهر اسلامی دانسته‌اند؛ اما بسیاری از محققان، با استناد به متن‌های کهن تاریخی و جغرافیایی شهر را متشکل از سه رکن اصلی بازار، ارک حکومتی و بازار دانسته‌اند (اشرف، ۱۳۵۷) که در آن مسجد جامع و بازار به عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ریخت شهر اسلامی و در ارتباط فضایی متقابل با هم در مرکز شهر بوده و ارگ نیز گاه در کنار مسجد جامع و بازار به‌گونه‌ای مرتبط با این دو عنصر واقع می‌گردید. به طوری که مدام در تعامل چند سویه موجبات تقویت و حمایت همدیگر می‌شدند (سلطان‌زاده، ١٣٦٥: ۲۷۰–۲۸۸) و سرانجام گروهی از محققان، در کنار عناصر مهم و ساختی این شهرها (مسجد، بازار، ارگ حکومتی)، هسته محله‌های مسکونی و برج و بارو و دروازه‌های شهر را نیز از پارامترهای مهم شهر اسلامی برشمرده‌اند (توسلی، ۱۳۷۱: ٣٦٤؛ بیومنت و دیگران، ١٣٦٩: ٢٤٨).

بدین ترتیب بر اساس الگوی کلی کالبد و ساختارفضایی شهرهای ایرانی–اسلامی، مساجد جامع به سبب تقدم وظایف مذهبی در جای مناسبی در هسته مرکزی و محور اصلی شهر ساخته می‌شد و بازار به‌عنوان مرکز معیشت مردمی و فعالیت صنفی در جوار مسجد جامع قرار داشت. لیکن نقش مساجد جامع به‌عنوان مهم‌ترین نقطه عطف[۲] به دلیل ارتباط فضایی متقابل با بازار، بیش‌ترین جاذبه را دارا بوده است و بازار به سبب دارا بودن قدرت مذهبی

۲- مسجد جامع در قالب سمبل دین اسلام، بعنوان عنصری که در همهٔ جنبه های زندگی مسلمان نفوذ کرده بود، شناخته می‌شود. همچنین به دلیل این‌که دارا بودن مسجد جامع یکی از خصوصیات حقوقی شهر نسبت به روستا محسوب می‌شود (عبدالله بن عمر، ۱۳۵۰: ۲۰) و به لحاظ نقشی که در شهر اسلامی در تجمع افراد و تصمیم گیری‌های سیاسی و مذهبی ایفا می کرد، اهمیت فراوانی یافت. مسجد جامع بیش‌تر مرکز مذهبی محسوب می‌شد تا یک مرکز اجتماعی؛ اما شکل‌گیری افکار عمومی و جهت گیری اهداف مربوط به آینده در این مکان صورت می‌گرفت. به این لحاظ است که مسجد جامع در ایران و به‌ویژه در آن شهرهایی که بیش‌تر در معرض هجوم خارجیان و یا تصرف نیروهای حکومتی منطقه‌ای بودند، بیش‌تر از هر چیز بنیادی اجتماعی داشت (مشهدی زاده، ١٣٧٤: ١٩٢).

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

مساجد جامع، به مسجد جامع وابستگی کارکردی و کالبدی نزدیکی داشت. از طرفی ارتباط تشکیلات حکومتی، بازار و مسجد جامع در شهر اسلامی ارتباطی تنگاتنگ بوده و گاهی مسجد جامع-یا مساجد دیگر- در طول اندام بازار جای می‌گرفتند. همچنین بافت‌های مسکونی پشت یا اطراف بازار نیز از راه ورودی‌های متعدد مسجد جامع و یا در مسیر ارتباطی با درب مسجد به بازار راه پیدا می‌کرده است. البته در کنار مسجد جامع و مساجد بزرگ دیگر، گونه‌های ساختمانی دیگری نیز وجود داشت که از جمله می‌توان به حمام‌ها، مدارس دینی اشاره نمود.

بنای بازارهای سنتی شامل عناصر اصلی مختلف و متعدد راسته‌ها، دالان، سرا یا خان، خانباز، تیم یا تیمچه، قیصریه و دکان و عناصر فرعی همچون مساجد کوچک، حمام و غیره می‌باشد (پیرنیا، ۱۳۸۸: ۱۲۳). به‌طور کلی مسیر بازار معمولاً از دروازه اصلی شهر شروع شده و به مرکز شهر ختم می‌شود و گاهی هم ادامه بازار به دروازه دیگر شهر می‌رسد، لذا محوطه بازار در موقعیت بسیار مهم و ممتازی قرار گرفته است و نبض اقتصادی شهر را در اختیار دارد و همچنین در ارتباط تنگاتنگ با امور سیاسی و فرهنگی و اجتماعی شهر می‌باشد (قبادیان، ۱۳۷۷: ۱۷۳).

ارگ نیز در بعضی مواقع در کنار مسجد جامع و بازار واقع می‌شد و در برخی مواقع در کنار برج و بارو قرار می‌گرفت، فضاها، عناصر و تاسیسات درون هر ارگ به‌گونه‌ای بود که امکان زندگی نیمه‌مستقل را برای ساکنان آن تامین می‌کرد تا در محاصره شدن، بتوانند چند ماه بدون نیاز به فضای خارج، به زندگی خود ادامه دهند (سلطان‌زاده، ۱۳٦۵: ۲۸۸). در اطراف این ساختار عمومی، عرصه‌های سکونتی با نظم و ترتیبی متمرکز قرار داشتند که شهر را به چند محله مشخص و مجزا با ویژگی‌های خاصی که دارای خاستگاه‌های قومی، نژادی، قبیله‌ای و مذهبی بودند، تقسیم می‌کردند. محلات در اطراف بازار شکل می‌گرفتند و دارای کوچه‌های باریک و پرپیچ‌وخم بودند که از یک‌طرف به بازار و از طرف دیگر به بن‌بست‌ها منتهی می‌شدند. مراکز محلات از طریق گذرها به یکدیگر متصل بودند، بعضی از این گذرها در امتداد شهر گسترده شده بودند و ارتباط مراکز محلات را با مراکز شهر و دروازه‌های خروجی تامین می کردند. به طوری که "اصلی‌ترین عنصر مرکز محلات شهرهای تاریخی شهرهای ایران، به‌طور عام عنصر مذهبی و بالاخص مسجد بوده است (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۵) و قبل از آنکه محلات ساخته شوند، مسجد و بازارچه آن ساخته می‌شد و سپس مردم به‌صورت آزاد در اطراف آن سکنی می‌گزیدند (حبیبی، ۱۳۷٦: ۲۰). لیکن وجود سلسله مراتب متقن و قوی و تعریف شده در همه زمینه‌ها به نحوی بود که ضمن تسهیل استفاده از امکانات محله برای ساکنان آن، امنیت محله نیز کاملاً تامین شده بود (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۱٥٤).

تاثیر نگرش نوگرایانه بر تحولات شهرهای ایرانی اسلامی

در این دوره –عمدتا با شروع حکومت پهلوی اول- و با غلبه اندیشه شهرسازی مدرن حاصل از نگرش نوگرایانه، منجر به تغییر فیزیکی ساختار سنتی شهرها از بافت ارگانیک به نظام هندسی و ساختار شبکه‌ای مبتنی بر اندیشه

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

شهرسازی مدرن می‌شود. از سویی دیگر، با ظهور کارکردهای جدید ناشی از مدرن شدن یا تحولات تکنولوژیک و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، عناصر شهری مهم و تاثیرگذار در شکل‌گیری شهر اسلامی، نقش و کارکرد خود را از دست می‌دهند. در نتیجه این روند، عناصر و کارکردهای جدیدی در عرصه شهرها پیدا می‌شود که ماحصل آن، متحول شدن بافت سنتی شهرها و ظهور عناصر جدید از جمله، پاساژها، سینما، بانک‌ها، هتل‌ها و ادارات جدید می‌باشد که باعث می‌شود بافت سنتی شهرها از نظر اجتماعی–فرهنگی و جمعیتی رو به فرسودگی رود (کاستللو، ۱۳۷۱: ۱۹٦). به‌طور کلی، اولین قانون شهرسازی در ایران، با نگرش نوگرا، در سطحی بسیار مقدماتی و بدون استفاده از مطالعات و قوانین شهرسازی سایر کشورها، در سال ۱۳۱۲ به تصویب مجلس رسید. این مصوبه قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها" نام داشت. در تیرماه ۱۳۲۰ ه–ش، قانون مذکور تحت عنوان قانون توسعه معابر اصلاح گردید و مورد تجدید نظر قرار گرفت (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸٤: ۲۱۷) که مهم‌ترین اقدامات عملی بر اساس قانون فوق در شهرهای ایران بدین شرح است:

۱– اقدام به احداث خیابان و میدان‌ها

۲– احداث خیابان‌های کمربندی در اطراف شهرهای عمدتا بزرگ

۳– تخریب محل‌های غیر قابل اصلاح و نیز عناصری همچون محلات که در مرکز شهر قرار داشتند

٤– تخریب گورستان‌های درون شهری و ایجاد پارک و فضای سبز به‌جای آن

بر این اساس و بر مبنای غلبه نگرش نوگرایانه، آن نظم و آراستگی پیشرفته بافت‌های مسکونی و عناصر شهری همچون بازار، مسجد جامع و ارگ حکومتی در شهرهای اسلامی که نشانگر یک فرآیند ممتد و تکاملی بوده و نشان‌دهنده یکی از گسترده‌ترین جریانات متقابل فعالیت‌های انسانی در ایجاد و رشد مجتمع‌های زیستی در طول تاریخ ایرانی اسلامی می‌باشد، از بین می‌رود. خیابان‌کشی‌های متعدد، باعث گسست ارتباط یکپارچه شبکه گسترده بازار با راسته‌های خود و نیز ارتباط محلات با بازار و نیز دیگر عناصر مهم شهری همچون مسجد جامع با بازار شده و موجب خطر فروپاشی و کم رونق بسیاری از راسته‌های آن به‌عنوان ستون فقرات شهر اسلامی می‌گردد. در ادامه این روند، ابتدا نمادهای جدید شهری، اداری و حکومتی، سپس دکان‌ها و فضاهای تجاری در کنار خیابان‌ها ساخته شد و راسته‌ها و فضاهای تجاری به‌صورت پراکنده یا متمرکز در کنار خیابان‌ها و در سراسر شهر گسترش می‌یابد (سلطان‌زاده، ۱۳٦۷)؛ و بازارها با انتقال بخش اعظمی از فعالیت‌های خویش به اولین انتقال فضایی از مکان خاص به مکانی که با تطور زمان تغییر می‌کند، دست می‌زند (حبیبی، ۱۳۷۵). به‌تدریج تجار عمده حجره‌های خود را به بیرون بازار انتقال داده و خیابان‌کشی‌های متعدد از میان بازارهای چند صدساله، کالبد این مجموعه را تکه‌تکه کرده و بسیاری از مغازه‌ها نیز به کنار خیابان‌ها کشیده می‌شوند. با نقل مکان مغازه‌داران به حاشیه خیابان‌ها، باعث غیرفعال

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

شدن قسمت‌هایی و یا کل بازار مخصوصاً در شهرهای کوچک می‌گردد. همچنین شکل‌گیری بافت‌های مسکونی جدید متاثر از الگوی شهرسازی مدرن غرب که فاقد اصول شهرسازی و الگوهای معماری محلات ایرانی بودند و عمدتا در زمین‌های بایر پیرامون شهر و یا روستاهای نزدیک شهر-که دارای آب‌وهوا و شرایط طبیعی مساعدی بودند- احداث می‌شدند (اهلرس، ۱۳۸۰: ۱۸٤-۱۸٦؛ مشهدی‌زاده، ۱۳۷۳: ٤۳۱-٤۳۵؛ یزدانی، ۱۳۸٦: ۳۰) از نتایج تاثیر مدرنیسم و بر شهرهای ایرانی-اسلامی می‌باشد.

یافته‌ها و بحث

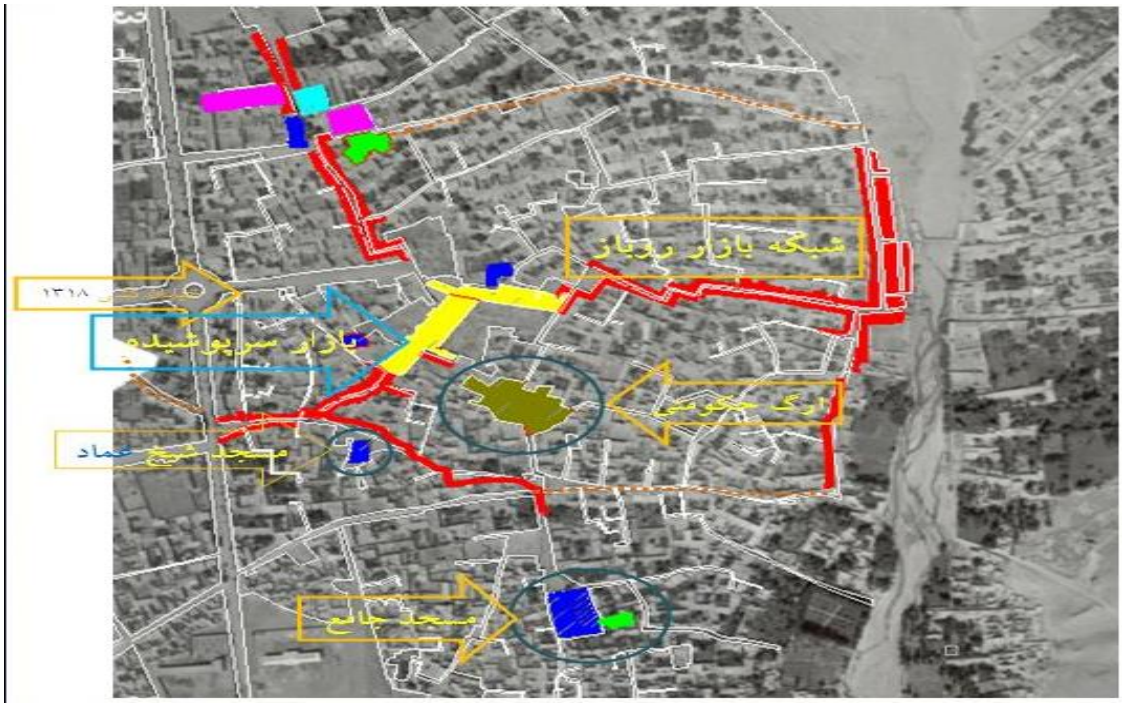
تاثیر نگرش‌های نوگرایانه بر شهرسازی دوره اسلامی شهر اهر

- روند توسعه کالبدی شهری اهر دوره اسلامی تا دوره قاجار

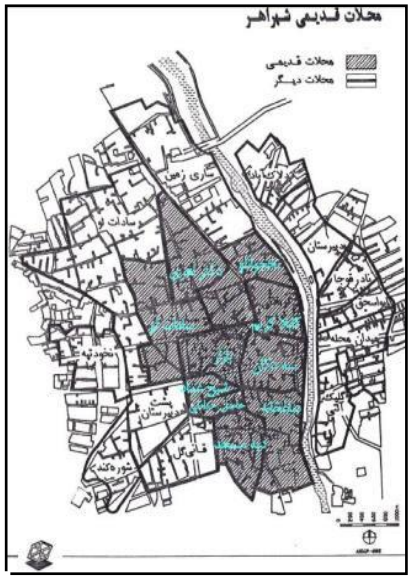
شکل‌گیری و توسعه شهرستان اهر همچون دیگر شهرهای ایرانی در طول تاریخ اسلامی از اصول و مبانی شهرسازی اسلامی پیروی نموده و شامل تمامی عناصر ساختاری و تاثیرگذار در ایجاد کالبد شهر اسلامی می‌باشد. شکل‌گیری دوره اسلامی شهر اهر، با کنار هم قرار گرفتن عناصر شهری همچون شبکه بازار، مسجد جامع، ارگ حکومتی، محلات، مراکز محله، گذرهای اصلی، گذر فرعی محله، بن‌بست‌ها و سایر عناصر تشکیل‌دهنده شهر اسلامی همچون مساجد محله‌ای، حمام‌ها، کاروانسرای شهری و مدارس دینی انجام یافته است (شکل ۱). هسته اولیه شهر این شهر در کناره غربی رودخانه موسوم به کیچیک چای شکل گرفته و شامل ۹ محله بوده که این محلات در داخل قلعه‌ای محصور بوده‌اند (شکل ۲). این محلات عبارتند از: محله کربلایی‌کریم، محله سه‌دکان، محله دباغ‌خانه، محله دیه‌مسجد، محله سادات‌لو، محله نخجوانلو، محله حاصل‌حیاطی، محله شیخ عماد و محله بازار. در این دوره بارویی نیز گرداگرد شهر اهر قرار داشته (شکل ۳)، و ورود به شهر از راه دروازه‌ها مقدور بوده است. با ردیابی معماری تجاری و مسکونی این دوره و نیز شناخت گورستان‌های برون‌شهری آن و مسیرهای تاریخی به درون شهر، می‌توان به محل دروازه‌های ورودی شهر دست یافت.

این شهر چهار دروازه داشته که به‌وسیله چهار مسیر اصلی به مرکز و بازار شهر هدایت می‌شده است (شکل ٤). در اطراف این مسیرها مراکز فرهنگی و تجاری و محلات متمرکز بوده‌اند؛ که این محلات به‌وسیله کوچه‌ها و میدان‌چه‌هایی به راسته اصلی متصل می‌شده‌اند. اطراف بافت قدیمی شهر اهر به‌وسیله باغات محصور بوده است. از ویژگی‌های بافت دوره اسلامی شهر اهر، قرارگیری مساجد، مراکز فرهنگی و کاروانسراها دور از مرکز شهر و در نزدیکی دروازه‌هاست.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



شکل ۱: بافت سنتی و ارگانیک شهر اهر تا دهه ۱۳۳۰ و بدون دخالت نگرش‌های نوگرایانه (گرچه اولین تاثیر شهرسازی مدرن در خیابان‌کشی دهه ۲۰ سمت چپ تصویر دیده می‌شود). محدوده مرکزی تصویر، بافت سنتی شهر را نشان می‌دهد که در آن عناصر معماری و شهری با رنگ‌های متمایز نشان داده شده است (منبع: تصویر هوائی سال ۱۳۳۵).



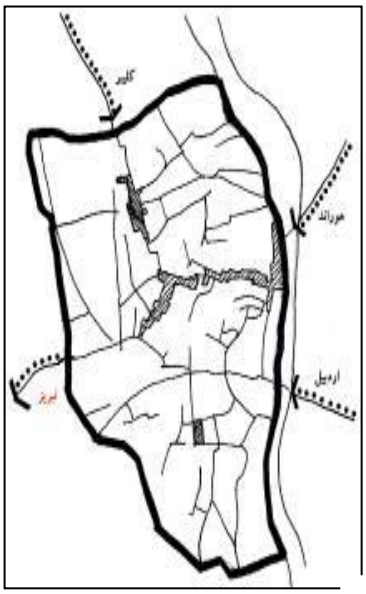
شکل ۲: محلات قدیمی شهر اهر

ماخذ: مهندسان مشاور مهرازان، ۱۳۷۲



شکل ۳: حصار تاریخی شهر در عکس هوایی ۱۳۳۵

ماخذ: سازمان نقشه برداری کشور



شکل ٤: دروازه‌های ورودی شهر اهر

ماخذ: پورجواداصل

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

پس از اسلام و با آغاز حکمرانی اسلامی و ترویج دین اسلام، روند توسعه شهر اهر، با توجه به موقعیت قرارگیری مسجد تاریخی جامع شهر، به سمت شمال‌غرب هسته اولیه شهر بوده است. با مطالعه موردی شهر سابقا قسمت آباد شهر اراضی جنوبی معروف به "اوزانلار" بوده (بایبوردی، ۱۳٤۱: ۵۹) که بعدها بر اثر مرور زمان این ناحیه کم رونق و متروک و به‌تدریج توسعه شهر به سمت شمال گرایش می‌یابد (شکل ۵).



شکل ۵: روند توسعه شهر از هسته اولیه به سمت اراضی شمالی در محدوده قاجاری شهر و مکان استقرار مسجد جامع شهر

در ادامه روند توسعه شهر در دوره قاجار، روند توسعه به سمت شمال شهر ادامه می‌یابد گرچه ساخت‌وساز بر روی شهر قبلی نیز جریان داشته است (شکل ۵). با کم‌رنگ شدن نقش شهری مسجد جامع اهر در بخش آسیب‌دیده[۳]، مساجد دیگری در شهر ساخته می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها مسجد چوبی شیخ عماد در جوار امامزاده علی در سال ۱۲۷۷ ه.ق می‌باشد (بر اساس کتیبه سنگی داخل مسجد) (ترابی طباطبایی، ۱۳۸٤: ٤۱۹). این مسجد را می‌توان

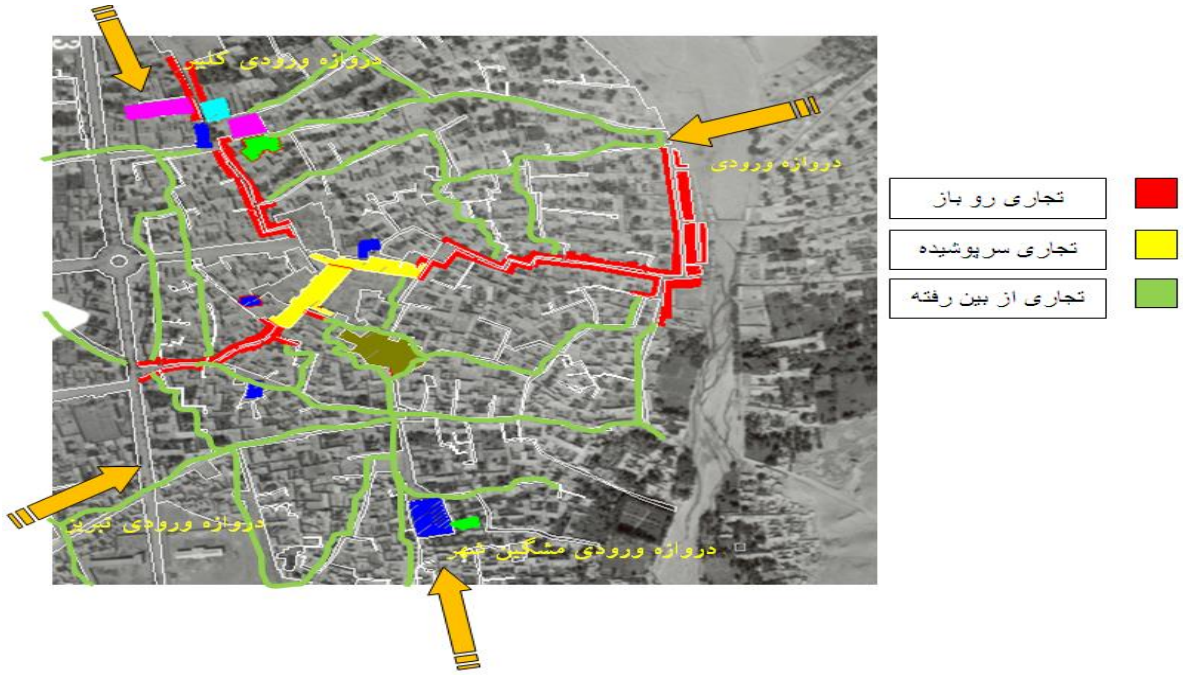
۳- بنابر تحولات صورت گرفته در مسجد جامع اهر که از کتیبه های منصوبه قابل دریافت است، احتمال وقوع زلزله‌ای همزمان با زلزله سال ۱۱۹۳ ه.ق تبریز وجود دارد که موجب تخریب بافت پیرامون مسجد جامع و کم‌رنگ شدن مسجد شده است و پس از آن؛ در عین بازسازی بخش‌هایی از شهر زلزله‌دیده، غالب ساخت و سازها به بخش شمالی آن منتقل می‌شود.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

دومین مسجد جامع و قطب مذهبی شهر اهر تلقی کرد که به همراه بازار به‌عنوان قطب تجاری شهر، مشترکاً مرکز شهر محسوب می‌شدند.

– شبکه بازار

شکل‌گیری بازار به‌عنوان عنصر سازمان‌دهی کننده و ستون فقرات شهر اهر در دوره اسلامی، همچون دیگر شهرهای ایران، روند مشابهی را داشته است. مطالعات میدانی و بافت شهر سنتی و توسعه سال‌های اخیر، نشان‌دهنده آن است که شکل‌گیری و موقعیت بازار اهر از یک سمت شهر شروع و تقریباً تا سمت دیگر شهر در بافت قدیم ادامه می‌یابد. بر طبق کتیبه موجود در ابتدای راستهٔ اصلی بازار، در سال ۱۳۲۱ هجری قمری بخش‌هایی از بازار توسط حاکم شهر (رشید الملک) مسقف شده ولی قسمت‌های اعظمی از بازار در ادامه راسته‌ها، بدون سقف ادامه می‌یابد. وجود ۱۷ مسجد در ارتباط مستقیم با بازار اهر نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ بازار با امور فرهنگی و اجتماعی بوده و نشان‌دهنده نقش محوری بازار در شهر اهر و در منطقه بوده است؛ اما مطالعه پیوند مسجد جامع شهر اهر با محدوده فعلی بازار به دلیل گسترش شهر به سمت شمال و شمال‌غرب، چندان پیوستگی و ارتباط نزدیک را نشان نمی‌دهد که به نظر می‌رسد عدم این ارتباط احتمال وقوع زلزله‌ای همزمان با زلزله سال ۱۱۹۳ ه.ق تبریز هست که موجب تخریب بافت پیرامون مسجد جامع و کمرنگ شدن مسجد شده است که پس از آن؛ در عین بازسازی بخش‌هایی از شهر زلزله دیده، غالب ساخت‌وسازها به بخش شمالی آن منتقل شده باشد (شکل ٦).

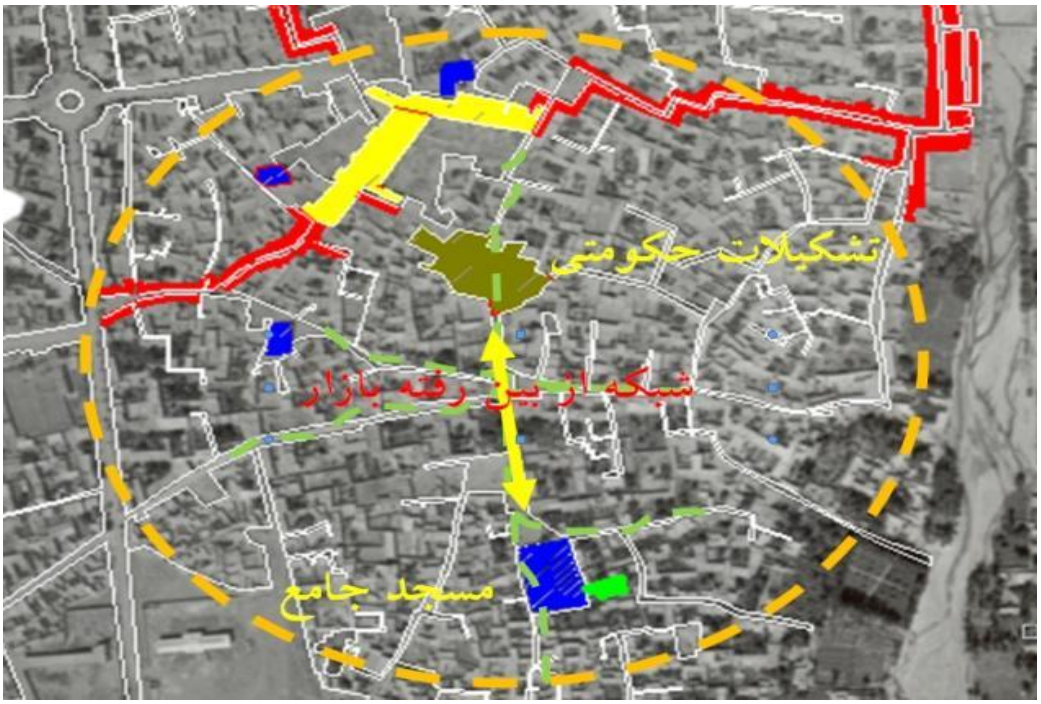


شکل ٦: شبکه سنتی بازار اهر

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

- ارک و تشکیلات حکومتی

در خصوص حاکمان منطقه از یاقوت حموی در کتاب "معجم البلدان" از اهر و فرمانروای آن بنام "ابن پشکین" در دوره حکومت سلجوقیان نام برده شده است (حموی، ۱۳۸۰: ۳٦۲) و نیز از "مینورسگی" مورخ روسی نوشتارهایی در باب حکومت و حوزه‌های حکومتی ناحیه ارسباران مطالبی آمده است (بایبوردی، ۱۳٤۱: ۷٦-۷۹)، لکن مستندترین نوشتار در ارتباط با حاکم ارسباران، مربوط به نصب کتیبه‌ای در بازار اهر مبنی بر تاریخ سرپوشیده کردن بازار است که توسط "حاکم ارسباران رشیدالمک" انجام گرفته است. مکان استقرار حاکم، ارگ حکومتی بوده است که طبق اصول شهرسازی در شهرهای دوره اسلامی و بر اساس مبانی تفکری آن، در ارتباط با بازار و مسجد جامع شهر بوده است. این امر با مطالعه موردی شهر اهر قبل از تاثیر نگرش‌های نوگرایی قابل مشاهده است و در تصویر هوائی مربوط به سال ۱۳۳۵ مکان تسطیح شده آن توسط شهرداری اهر (قبل از ۱۳۲۰ ه-ش) که امروزه بنام "قلعه قاپوسی" (درِ قلعه) معروف است، دیده می‌شود که مطابق با اصول شهرسازی اسلامی، ارتباط آن با بازار و مسجد جامع در دوره اسلامی و در مکان "قلعه قاپوسی" قابل اثبات بوده (شکل ۷) و دارای سراپرده، سرایدار و اندرونی و بیرونی، در دروازه و سایر متعلقات حتی حمام خصوصی بوده و به احتمال از دوران قاجار و از ساخته‌های محمدعلی شاه قاجار می‌باشد (بایبوردی، ۱۳٤۱: ۸۰).



شکل ۷: ارتباط تشکیلات حکومتی با مسجد جامع و شبکه بازار (از بین رفته) در دوران قبل از تاثیر نگرش نوگرائی

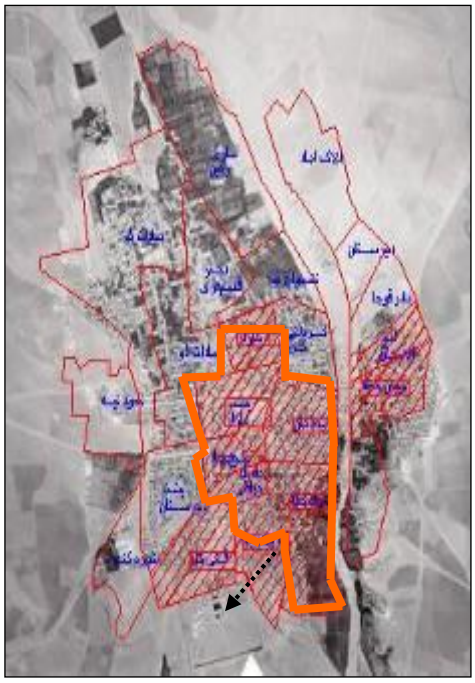
[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

بنای ارگ حکومتی بعدها بر اثر مرور زمان، تخریب و متروکه شده و شهرداری وقت (قبل از ۱۳۲۰ ه–ش) آن را تسطیح و تبدیل به میدان می‌کند. در حال حاضر به دلیل خیابان‌کشی‌های دهه‌های اخیر، تبدیل به میدان گردیده و آثار بناهای حکومتی آن به‌کلی از بین رفته است.

کالبد شهری و ساختار شهر اهر بعد از تاثیر مکتب نوگرائی

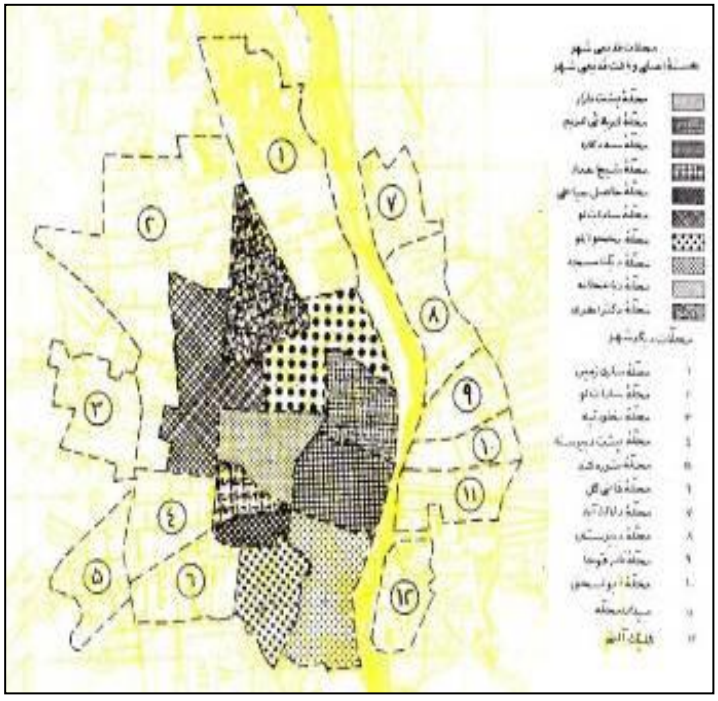
الف– از سال ۱۳۰٤ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی

با به روی کار آمدن حکومت رضاخانی در سال ۱۳۰٤ شمسی در ایران و به دنبال آن مبارزه با مخالفان منطقه‌ای و ریشه‌کن شدن خان‌های مخالف دولت، باعث برقراری امنیت در شهرها و کاهش خطر جنگ‌های محلی گردید. این امر موجب گردید که در این شهر به مرور باروهای شهر ارزش دفاعی خود را از دست داده و شهر در بیرون از دیوارهای خود گسترش یابد. در این تحولات[٤]، معمولاً اولین گروه که اقدام به ساخت‌وساز در خارج از باروی شهر کرده و توسعه آن را موجب شدند، افرادی از طبقه اجتماعی مرفه و متوسط بودند که با رها کردن خانه‌های خود در داخل بارو به ساخت خانه‌هایی بزرگ در خارج از آن همت گماشتند (مشاور مرجان، ۱۳۵٦).



شکل ۸: محدوده قلعه شهر (تا اواخر عهد قاجاریه) و مرزبندی محلات بر روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵

ماخذ: سازمان نقشه‌برداری



شکل ۹: محدوده محلات قدیمی و اولیه شهر نسبت به سایر محلات

ماخذ: طرح تفصیلی اهر. مهندسان مشاور مرجان

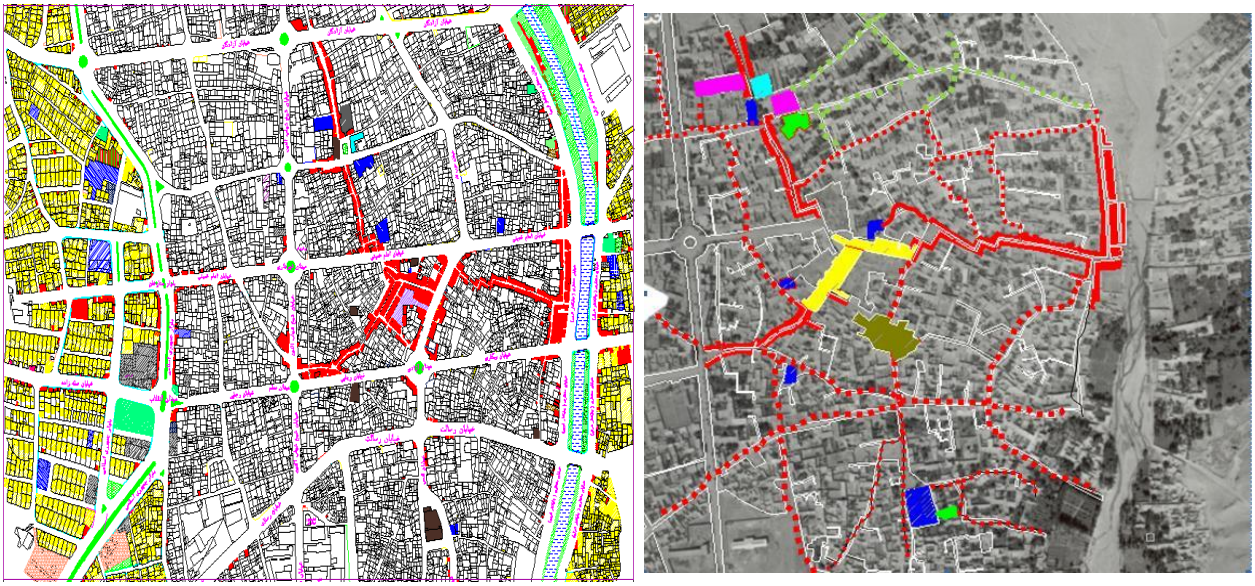
٤– مهم‌ترین آن‌ها در قره‌داغ، اسکان کوچ نشینان در زمین‌های اطراف اهر تا سال ۱۳۱٦ شمسی بود.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

گسترش اولیه شهر اهر در این دوره (۱۳۰۰ شمسی) به‌صورت پیوسته بوده که عمده توسعه آن به سمت شمال‌غرب در سمت شمال‌غربی و غرب و مختصری در جنوب صورت گرفته که توسعه در این بخش بیش‌تر توسط طبقات مرفه و متوسط شهر انجام شده است. بافت بخش‌های توسعه‌یافته به‌صورت غیر متراکم با سطوح مسکونی بزرگ است و از نظر دسترسی دارای کوچه‌های عریض‌تر و قابل عبور و مرور با وسایط نقلیه می‌باشد (شکل ۸ و ۹).

ب- از سال ۱۳۲۰ هجری شمسی

در این دوره با تاثیر نگرش نوگرایانه، تحول ساختاری در شهر اهر با ساختن خیابان‌ها و معابر مستقیم به‌عنوان عنصر اصلی توسعه شبکه شهری به‌وجود آمد. همچنین به منظور ایجاد دسترسی در جهت تطابق با نیازهای مدرنیسم، باعث گردید شاکله شهر دوره اسلامی که بر مبنای شبکه بازار استوار گردیده بود از بین رفته و بر مبنای خیابان و دسترسی‌های مستقیم و عمود بر هم استوار گردد (شکل‌های ۱۰ و ۱۱).



شکل ۱۰: شهر اهر از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۸۰ هجری شمسی، قبل و بعد از تاثیر نگرش نوگرایانه. بازار به عنوان ستون فقرات شهر در دوره اسلامی و خیابان به عنوان نماد نگرش نوگرایانه و ساختار انتظام دهنده شهر دوره معاصر

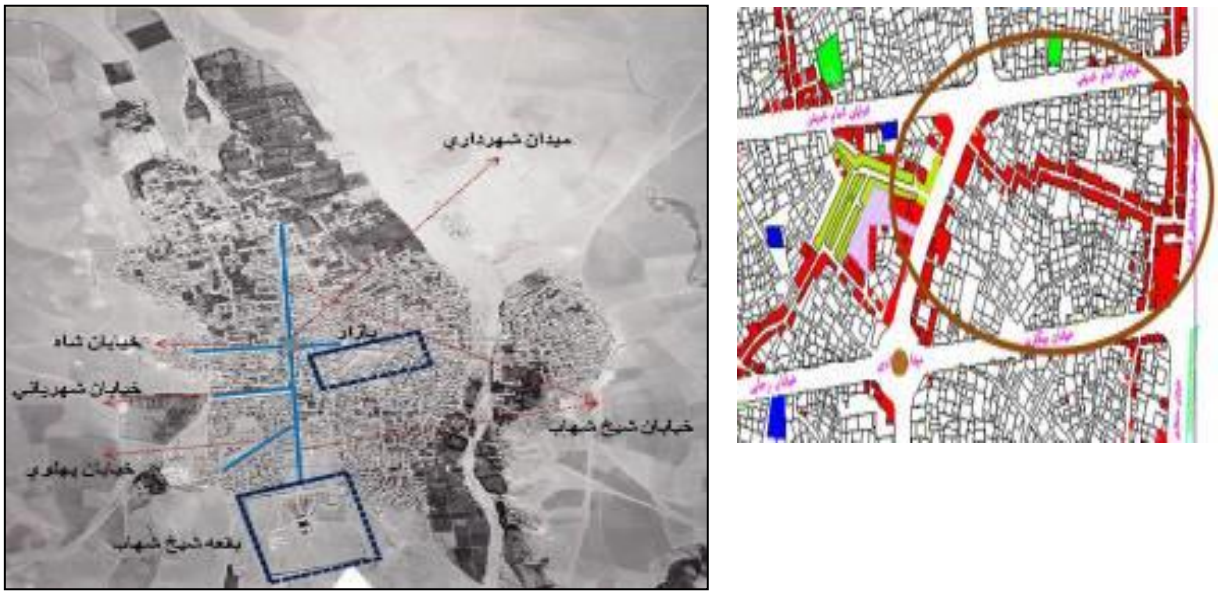
از طرفی، با انقطاع شریان‌های ارتباطی در شهری که مبنای توسعه آن، ارگانیک و بر اساس رفتارهای اجتماعی بوده است، باعث می‌گردد که بافت‌های مسکونی آن از تعادل با سایر اندام‌های شهری خارج شده و به مرور زمان تبدیل به بافت فرسوده گردد. در نهایت، این پدیده موجب خروج طبقات بالایی و میانی شهر به خارج از محدوده بافت‌های تاریخی گردیده و باعث ایجاد خلاء در هسته‌های قدیمی شهر می‌گردد که به سرعت توسط طبقات ضعیف اجتماعی اشغال می‌شوند و تدریجاً تبدیل به مناطق جذب مهاجر گردد که از نظر اجتماعی، به‌عنوان

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

شهرنشینان با درآمد کم‌تر یا ضعیف به‌حساب می‌آیند. لذا این روند مهاجرت در زمانی بسیار کوتاه باعث شده است که جایگاه طبقه بالای خانه‌های سنتی در گذشته به مناطق آلونک نشین امروزی تبدیل شود (شکل ۱۳).



شکل ۱۱: راسته پشم فروشان و راسته مسجد سفید بازار اهر

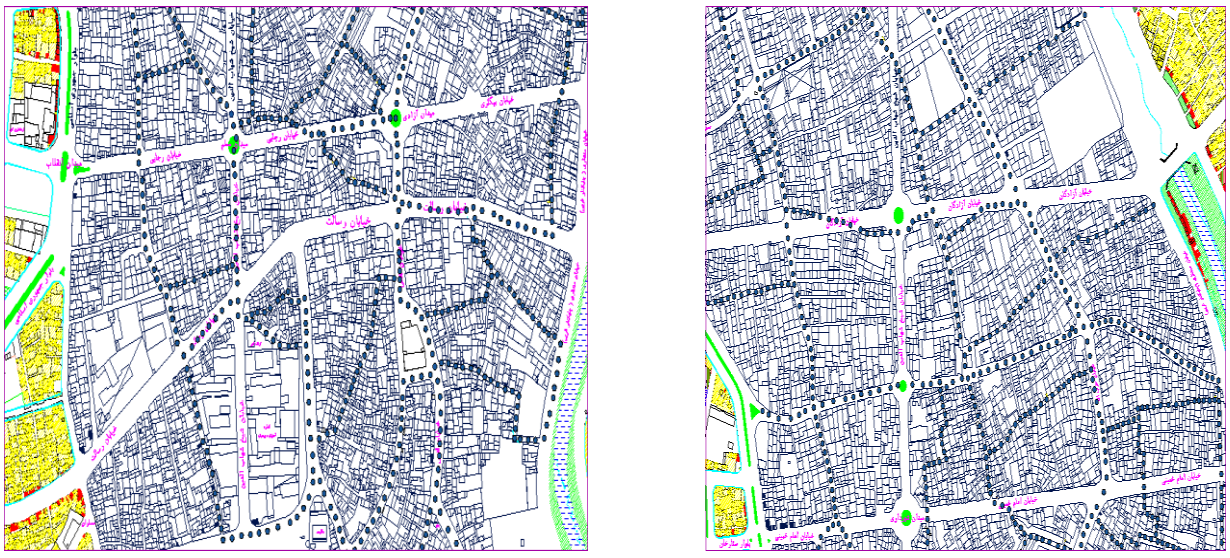


شکل ۱۲: خیابان‌کشی‌های سال ۱۳۱۸ ش. در اهر

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



شکل ۱۳: این تصویر نشانگر محلات در بافت تاریخی شهر می‌باشد که بر اثر نگرش‌های نوگرایانه و با خروج ساکنان آن به خارج از محدوده بافت تاریخی، باعث ایجاد خلاء و زوال در هسته‌های قدیمی و محلات شهر گردیده است.



شکل ١٤: مقایسه تطبیقی معابر در دو دوره زمانی، معابر شهر دوره اسلامی و دوره مدرن

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

همچنان که در شکل ملاحظه می‌شود، هدف عمده خیابان‌کشی‌ها ماشین‌رو کردن شبکه ارتباطی و تسریع عناصر و فضاهای شهری به همدیگر می‌باشد که در کنار وصول به این هدف، ساختار ارتباطی ارگانیک شهر به هم ریخته و در اثر آن استخوان‌بندی و شاکله اصلی شهر دوره اسلامی از بین می‌رود.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی تحولات و ویژگی‌های شهرهای ایرانی در دو دوره کلی قبل از تاثیر نگرش نوگرایانه و بعد از تاثیر آن از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به بعد (مشخصا از دوره پهلوی اول) قابل بررسی و مطالعه است. توسعه، رشد و تحولات کالبدی شهر اهر در دوره اسلامی و قبل از تحولات مربوط به دوره زمانی قبل از پهلوی اول (۱۳۰٤ ه-ش) مطابق با الگوی کلی شهر ایرانی-اسلامی، کاملا ارگانیک و درون‌زا و بر اساس رفتارهای اجتماعی بوده که عناصر اصلی تشکیل دهنده آن، شبکه به هم پیوسته و گسترده بازار به عنوان ساختار اصلی و ستون فقرات شهر، مسجد جامع دوره سلجوقی و ارگ حکومتی که در ارتباط دوسویه و چند سویه با بازار بوده‌اند به همراه ۹ محله و دیگر عناصر تشکیل‌دهنده شهر همچون حمام‌ها، مساجد، مدارس دینی و ... به همراه بارو و چهار دروازه ورودی به شهر اهر می‌باشند. با تاثیر نگرش نوگرایانه و بخصوص با شروع تحولات کالبدی آن در شهر اهر، عنصر انتظام بخش و سازمان‌دهی کننده شهر تعریف مجدد گردیده و خیابان‌کشی‌هایی که از سال ۱۳۱۸ در شهر اهر آغاز می‌گردد، به‌جای شبکه به‌هم پیوسته بازار، ساختار اصلی و شاکله شهر را تشکیل می‌دهد؛ که بر اثر آن، شهر اهر ساختار ارگانیک خود را از دست داده و باعث انقطاع شریان‌های ارتباطی شهر دوره اسلامی می‌گردد. بر اثر این پدیده ارتباط مسجد جامع اهر با بازار به کلی منقطع، تشکیلات مربوط به ارگ حکومتی، حصار شهر و دروازه‌های ورودی به اهر از بین رفته و به دلیل گسیختگی محلات از ستون فقرات شهر، جز معدودی بافت فرسوده و ساختمان‌های در حال متلاشی چیزی باقی نمانده است.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

منابع

- اهلرز، ا (۱۳۷۳)، «شهر شرق اسلامی، مدل و واقعیت»، ***فصلنامه تحقیقات جغرافیائی***، شماره ۳۲، صص ٦٥-۲۷.

- اهلرس، ا (۱۳۸۰)، «ایران (شهر- عشایر- روستا)»، مجموعه مقالات، (ترجمه عباس سعیدی)، تهران، انتشارات منشی.

- بایبوردی، ح (۱۳٤۱)، «***تاریخ ارسباران***»، تهران، انتشارات کتابخانه ابن‌سینا.

- بیرشک، ث (۱۳۷۵)، «شناخت و بررسی بازارهای سنتی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

- بیومنت، پیتر؛ جرالد، بلیک؛ مالکوم، واگ‌استاف (۱۳٦۹)، «***خاورمیانه***»، (ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، محمود رمضان زاده و علی آخشینی)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

- پیرنیا، م. ک (۱۳۸۸)، «***آشنایی با معماری اسلامی ایران***»، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.

- ترابی‌طباطبائی، س. ج (۱۳۸٤)، «***آثار باستانی آذربایجان***»، جلد دوم، تهران، موسسه انتشارات انجمن آثار ملی.

- توسلی، م (۱۳۸۲)، «اصل ارتباط در طراحی شهری»، ***نشریه هنرهای زیبا***، شماره ١٤، صص ۳۹-۳۲

- حبیبی، م (۱۳۷٦)، «*از شار تا شهر*»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- حسامیان، ف (۱۳٦۳)، «*شهرنشینی در ایران*»، تهران، انتشارات آگاه.

- حسین‌زاده دلیر، ک؛ هوشیار، ح (۱۳۸٤)، «تاثیر مدرنیسم بر معماری و شهرسازی ایران»، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۹، صص ۲۲۲-۲۰۷

- حموی، ی (۱۳۸۰)، «معجم البلدان»، (ترجمه علی‌نقی منزوی)، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

- داوری‌اردکانی، ر (۱۳۷۵)، ملاحظاتی در باب طرح مدینه»، فصلنامه آبادی، شماره ۲۲، صص، ۳۲-۲۷.

- سلطان‌زاده، ح (۱۳٦۵)، «مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران»، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- سلطان‌زاده، ح (۱۳۷۲)، «تاثیر اسلام در ساخت شهر»، ***فصلنامه معماری و شهرسازی***، شماره ۲٦-۲۵، صص ۵۱-٤٤.

- شکوئی، ح (۱۳۷۳)، «***دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری***»، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت.

- عکاش، س (۱۳۷۸)، «تجلی نظم جهانی و نشانه برداری از آن در معماری سنتی اسلامی»، (ترجمه علی‌اکبر خان محمدی)، ***نشریه صفه***، شماره ۲۸، صص، ٦۱-٤۸.

- فارابی، ا. ن (۱۳۷٦)، «***السیاسه المدینه***»، (ترجمه و شرح حسن ملکشاهی)، تهران، انتشارات سروش.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

- قبادیان، و (۱۳۷۷)، «***بررسی اقلیمی ابنیه‌های سنتی ایران***»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- کاستللو، و. ف (۱۳۷۱)، «شهرنشینی در خاورمیانه»، (ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی)، تهران، انتشارات نی.

- مشهدی‌زاده، ن (۱۳۷٤)، «تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران»، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

- مهندسان مشاور مرجان (۱۳٥٤)، طرح تفضیلی ۱۳۵۳ اهر، تهران، سازمان مسکن و شهرسازی.

- مهندسان مشاور مرجان (۱۳۸٦)، طرح تفضیلی ۱۳۵۳ اهر، تهران، سازمان مسکن و شهرسازی.

- نقی‌زاده، م (۱۳۸۷)، «اندیشه‌نامه جلد ۱»، مجموعه مقالات میان رشته‌ای شهر و معماری، تهران، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۲۳۲-۲۱٤.

- نقی‌زاده، م (۱۳۸۷)، «شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)»، اصفهان، انتشارات مانی.

- یزدانی، م. ح (۱۳۸٦)، «تاثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی، نمونه تبریز»، ***فصلنامه تحقیقات جغرافیایی***، شماره ۸٤، صص ۵۲-۲۹.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]